



## درس یازدهم

سوره انعام: آیات (۱۵ - ۲۰)



## درس یازدهم

### سوره انعام: آیات (۱۵ - ۲۰)

**! نکات مهم آیات:**

۱. عصیان خدا ملازم عذاب است و تنها باید از خدا ترسید؛ از دیگران کاری ساخته نیست؛
۲. گاهی انسان از عذاب فاصله می‌گیرد و گاهی عذاب از او فاصله می‌گیرد و این رستگاری آشکار است؛
۳. اگر کمی زیان به کسی برسد، هیچ کس غیر از خدا قادر بر رفع آن نیست، چنانکه اگر کمی خیر به کسی برسد، هیچ کس غیر از خدا قادر بر کنار زدن آن نیست؛
۴. «قاهر مطلق بودن خدا»، هم «خیررساندن» و هم «زیان رساندن» او را در برمی‌گیرد؛
۵. «ربوبیت خدا» دلیل محکمی بر «اثبات ولایت الله و نفی ولایت از غیر او» است؛
۶. خدایی که شهادتش را همه ادیان قبول دارند، به «وحدانیت خود» شهادت می‌دهد؛
۷. اهل کتاب، پیامبر اسلام ص و نبوتش را به خوبی می‌شناختند.

لغات درس یازدهم

عَصِيَتْ:	عصیان ورزیدم،	أَنْتَكُمْ:	آیا واقعاً شما
يُصْرَفُ:	نافرمانی کردم	تَشْهَدُونَ:	گواهی می دهید
يَوْمَئِذٍ:	برگردانده شود	آتَيْنَاهُمْ:	به آنان دادیم
الْفَوْزُ:	آن روز، آن زمان	أَبْنَاءَهُمْ:	پسران خودشان
يَمْسَسُكَ:	رستگاری	خَسِرُوا:	زیان دیدند
أَوْحَى:	به تو برساند	بَلَغَ:	رسید
	وحی شده		



❖ آیه ۱۵: قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ

عَظِيمٍ

**ترجمه:** بگو اگر به پروردگارم عصیان ورزم، از عذاب روزی بزرگ می ترسم.

❖ آیه ۱۶: مَنْ يُصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ

الْفَوْزُ الْمُبِينُ

**ترجمه:** آن روز کسی که [عذاب] از او برگردانده شود، قطعاً [خدا] بر او رحمت آورده، و این است همان رستگاری آشکار.

## تفسیر:

این دو آیه به «اثبات انحصار ولایت الهی» با برهانی جدید (برهان سوم) پرداخته‌اند - دو دلیل آن در آیات قبل آمده بود-.

برهان سوم با سه بیان قابل تبیین است: ۱. عصیان پروردگار، عذاب عظیم را در پی دارد.

ملازمه میان «عصیان = نافرمانی» و «عذاب» به حکم عقل است؛ ۲. تنها خداست که انسان باید از او بترسد، زیرا از غیر او کاری ساخته نیست [بنابراین کسی که بخواهد به انگیزه رفع ترس، معبودی برگزیند، این آیه او را از خطای در تطبیق باز داشته است]؛ ۳. انسان فقط با پذیرش ولایت و ربوبیت الله



و اطاعت از او می‌تواند از عذاب‌های سخت دنیا و آخرت نجات یابد [مگر این که ادعا کنیم خود انسان قادر به چنین کاری است که این شدنی نیست؛ زیرا نیازمندی انسان، مانع از پذیرش چنان توانی است که در حیطه قادر مطلق است].<sup>۱</sup>

نکته لطیفی که در آیه به چشم می‌خورد، به کار بردن کلمه «عَصَيْتُ» به جای «أَشْرَكْتُ» است که معنای وسیعی را شامل شده و فراتر از شرک را اگر شرک نافرمانی محسوب شود.<sup>۲</sup>

مَنْ يُصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ :

۱. تسنیم، ج ۲۴، ص ۵۲۵، ۵۲۷.

۲. المیزان، ج ۷، ص ۴۴.



آیه قبلی اشاره دارد به مصونیت شخصی پیامبر ص از عذاب عظیم به علت روی گردانی از «عصیان الهی» و این آیه که مکمل آن است بیان می‌دارد که هرکسی از عذاب عظیم دور بماند، حقیقتاً مشمول رحمت الهی شده است. به هر حال باید گفت: رهیدن از عذاب آخرت آسان نیست؛ زیرا در آن روز به همه باورها و اوصاف و خطورات قلبی انسان نیز رسیدگی می‌شود و رهایی از پیامدهای آنها بسیار دشوار است - همان‌گونه که در دنیا، شناخت نفس و درمان بیماری‌های نفسانی آسان نیست - از این رو نجات از «عذاب عظیم قیامت»، نشانه رحمت خاص الهی و رسیدن به رستگاری آشکار است.



(ذلک الفوز المبین). رهایی از عذاب به توفیق الهی است و دو گونه است:

۱. گاهی خدا انسان را از عذاب دور می‌دارد؛
  ۲. بالاتر از آن این است که انسان کاری کند که عذاب به سمت او نیاید. آیه مورد بحث به این مورد اشاره دارد و به همین دلیل آن را «فوز مبین - رستگاری آشکار» نامیده است.<sup>۳</sup>
- همان‌طور که به طور ضمنی ذکر شد، این آیه به توسعه عذاب الهی نسبت به هر عصیانگری اشاره دارد. با این حال رحمت خداوند شامل کسانی است که از عذاب الهی بترسند، همان‌طور که رسول خدا





چنین بود.<sup>۴</sup> نکته لطیف آیه این است که هر کس از خدا بترسد، صاحب دو امتیاز می گردد: اول این که عذاب الهی از او برداشته می شود، دوم آنکه رحمت و فضل الهی شامل حالش می گردد.<sup>۵</sup>

\*\*\*\*\*

❖ آیه ۱۷: وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.<sup>۶</sup>

**ترجمه:** و اگر خدا به تو زیانی برساند، کسی جز او برطرف کننده آن نیست، و اگر خیری به تو برساند، پس او بر هر چیزی تواناست.

۴ . المیزان، ج ۷، ص ۴۵.

۵ . المیزان، ج ۷، ص ۴۵.

۶ . مجموع محتوای این آیه در سوره فاطر، آیه ۲ و رعد، آیه ۱۱ و یونس، آیه ۱۰۷ هم آمده است.

## تفسیر:

در آیات گذشته سه برهان بر «ولایت الله و نفی ولایت غیر» بیان شد. این آیه شریفه دو برهان دیگر براین حقیقت ارائه کرده است. مجموع این دو برهان حاکی از «ربوبیت مطلق الهی» است که محور همه براهین ارائه شده در «اثبات ولایت الله» می باشد، و اما بیان دو برهان:

**وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ :**

۱. انسان در دفع ناملازمات محتاج است و چون کار از وی بر نمی آید، مدافعی که توان این کار را دارد، «معبود و رب» است، نه بت ها یا فرشته ها یا غیر اینها.

**وَإِنْ يَمْسَسْكَ بَخِيرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ :**



۲. انسان در جذب منافع مادی و معنوی نیز، محتاج است و چون این کار از وی برنمی آید، ....<sup>۷</sup>  
مجموعه این دو آیه معنای واحدی را تکمیل می کند و آن این است که: آنچه از «خیر و شر» به انسان می-رسد، همه مستند به خداست، و این استناد لایق ساحت اوست.<sup>۸</sup>

**سؤال:** «مس کردن» خاصیت اجسام است، پس چرا می گوید: «اگر خدا مس کند تو را...»؟  
جواب: مقصود این است که خداوند سود و زیان را بر مردم نازل می کند و خیر و شر، انسان را مس می-کند، نه خداوند.<sup>۹</sup>

۷. تسنیم، ج ۲۴، ص ۵۳۸، ۵۳۹.

۸. المیزان، ج ۷، ص ۴۶.

۹. مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲.



**نکته:** تعبیر به «يَمْسَسُكَ» در مورد خیر و شر که از ماده «مس» گرفته شده، اشاره به کوچک‌ترین خیر یا شرّ است که به انسان می‌رسد.<sup>۱۰</sup>

\*\*\*\*\*

❖ آیه ۱۸: وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ  
**ترجمه:** و اوست که بر بندگان خویش چیره است  
و اوست حکیم آگاه.

**تفسیر:**

آیه نیز در ادامه آیه قبلی «ربوبیت خدا» را می‌رساند که در نهایت به «اثبات ولایت الله» منجر می‌شود؛ زیرا قاهر مطلق بودن خدا هم «خیرسانی» و هم



«زبان رسانی» او را در برمی گیرد. ولایت قهراً به معنای احاطه نوری است که همه اشیا را در برمی گیرد و هر چیزی مقهور علمی و عملی اوست. در یک نگاه کلی به براهین پنجگانه بر «اثبات ولایت الله» به این حقیقت می رسیم که خداوند، هم «فاطر» هم «مطعم» هم «اعطای کننده بهشت و دوزخ» و هم «زمامدار خیر و شر در دنیا و آخرت» است.<sup>۱۱</sup>

وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ: خداوند در عین اینکه «قادر و قاهر» است، «حکیم و آگاه» هم هست<sup>۱۲</sup> و هیچ کاری را بدون مصلحت انجام نمی دهد. به عبارت

۱۱. تسنیم، ج ۲۴، ص ۵۳۷.

۱۲. مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۳.

دیگر قدرت و قهر خود را براساس علم و حکمت  
خود جاری می سازد.

\*\*\*\*\*

❖ آیه ۱۹: قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي  
وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ  
بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا  
أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا  
تُشْرِكُونَ

**ترجمه:** بگو: گواهی چه کسی از همه برتر است؟  
بگو خدا میان من و شما گواه است و این قرآن به  
من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر کس را [که  
این پیام به او] برسد، هشدار دهم. آیا واقعا شما



گواهی می‌دهید که در جنب خدا خدایان دیگری  
است؟ بگو: من گواهی نمی‌دهم؛ بگو او تنها  
معبودی یگانه است و بی تردید من از آنچه شریک  
[او] قرار می‌دهید، بیزارم.

### تفسیر:

از امام باقر ع روایت است که مشرکان مکه از  
حضرت رسول ص مطالبه گواه بر صدق دعوت  
نبوت کردند این آیه پاسخی است به آنها که خدا  
را بزرگترین گواه معرفی کرده است.<sup>۱۳</sup>

در این آیه، پیامبر ص با دو گانه پرستان حجاز در  
«اثبات توحید خدا» از راه دلیل نقلی (وحی) به  
احتجاج و جدال احسن پرداخته است. گفتنی است



در مناظره‌های جدالی، برخلاف برهان که از مقدمات معقول و مقبول استفاده می‌شود، از «قسم و شهادت» بهره می‌برند، از این رو خدا به رسولش می‌فرماید: از مشرکان پرس و اقرار بگیر که شهادت چه کسی را برای حل اختلاف قبول دارید؟ اگر شهادت خدا بزرگ‌ترین شهادت است - چنان که هست و شما هم قبول دارید - بدانید که او به نفع من و ادعای من که همان وحدانیت خداست، شهادت داده است (**قل الله شهید بینی و بینکم**)، زیرا این قرآن را به وسیله وحی برای من فرستاده است و در آن به من فرموده که شما و همه دریافت‌کنندگان قرآن را تا روز قیامت، به آن بیم دهم و به توحید





گواه باشم و از شرک بیزاری جویم. بنابراین خداوند در هر مطلب اختلافی میان من و شما (یعنی توحید و رسالت من)، به گفته من گواهی داده است.<sup>۱۴</sup>

**وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ**  
: در این آیه مسئله انذار و هشدار مورد عنایت و نتیجه نزول قرآن کریم قرار گرفته است. دعوت نبوت از طریق ترساندن آغاز گشته است، و این خود در فهم عامه مردم مؤثرتر از تطمیع (تشویق و وعده) است.<sup>۱۵</sup>

قرآن کریم، هم لسان «انذار» دارد و هم «تبشیر»؛ اما یادآوری انذار در این آیه و آیات دیگر برای آن

۱۴. تسنیم، ج ۲۴، ص ۵۵۴، ۵۵۵.

۱۵. المیزان، ج ۷، ص ۵۱.



است که بیشتر انسان‌ها به سبب تذکر عذاب و جهنم، از گناه دوری جسته و به طاعت روی می‌آورند.<sup>۱۶</sup>

قابل توجه است که: کلمه «مَنْ بَلَغَ» دلالت بر «رسالت جهانی قرآن» دارد و برخی نیز از این کلمه «خاتمیت پیامبر ص» را برداشت کرده‌اند.

منظور از «مَنْ بَلَغَ» که آیه‌های قرآن است، نه فقط متن عربی بلکه شامل محتوای قرآن به هر زبانی می‌باشد که روایت اهل بیت هم بر آن دلالت می‌کند. کاربرد کلمه «شی = چیز» به همان معنایی که برای سایر موجودات به کار می‌رود، برای خدا جایز



نیست. او چیزی است نه مانند اشیاء دیگر که مخلوق  
و محدود باشد، بلکه خالق است و نامحدود.<sup>۱۷</sup>

\*\*\*\*\*

❖ آیه ۲۰: الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا  
يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا  
يُؤْمِنُونَ

**ترجمه:** کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم  
همان گونه که پسران خود را می شناسند او [= پیامبر]  
را می شناسند کسانی که به خود زیان زده اند، ایمان  
نمی آورند.

**تفسیر:**



گواه دیگر بر حقانیت «نبوت و ادعای رسالت پیامبر اسلام» آن است که خدا در کتاب‌های انبیای پیشین نیز به رسالت آن حضرت شهادت داده است؛ همان خدایی که شهادتش را همه ادیان قبول دارند. از این رو اهل کتاب، پیامبر ص را مانند فرزندان خود، با تمام و اوصاف کلی می‌شناسند.<sup>۱۸</sup>

این آیه پاسخی است به کسانی که مدعی بودند اهل کتاب هیچ‌گونه گواهی درباره پیامبر اسلام نمی‌دهند.<sup>۱۹</sup>

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ: نشانه‌هایی که اهل کتاب از پیامبر ص می‌دانستند به قدری روشن

۱۸. تسنیم، ج ۲۴، ص ۵۸۴؛ المیزان ۷، ص ۵۴.

۱۹. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸۲.



و علم آور بودند که کتمان و انکار آن‌ها نتیجه‌ای جز  
خسران و بی‌ایمانی ندارد.<sup>۲۰</sup>

ابوحمزه ثمالی می‌گوید: آنگاه که پیامبر گرامی  
اسلام ص وارد مدینه شد، عمر بن عبدالله بن سلام  
گفت: خدا در قرآن کریم فرموده است که اهل،  
کتاب پیامبر ص را همانند فرزندان خود می-  
شناختند، آری ما پیامبر ص را با همان اوصافی که  
خدا بیان فرمود در میان شما می‌شناسیم، همان‌گونه  
که فرزندان خود را می‌شناسیم.<sup>۲۱</sup>

۲۰. تسنیم، ج ۲۴، ص ۵۸۴.  
۲۱. مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۷، ۳۸.